

پژوهشهای حقوقی

شماره ۹

هزار و سیصد و هشتاد و پنج - نیمسال اول

مقالات

- فراز و فرود حقوق هسته ای جمهوری اسلامی ایران : از شورای حکام تا شورای امنیت
- تشکیل قرارداد در فضای سایبر
- قانون قابل اجرا در حمل و نقل هوایی: بررسی سوانح هوایی فوکر ۲۸ (۱۳۷۳) و سی - ۱۳۰ (۱۳۸۴)
- ممنوعیت حجاب اسلامی در اروپا از نظر موازین حقوق بشر
- جبران خسارات وارده به جمهوری اسلامی ایران به دلیل حملات غیرقانونی ایالات متحد به سکوه‌های نفتی

موضوع ویژه : حقوق سرمایه گذاری در ایران

- بررسی قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴ و تأثیرات آن بر بازار سرمایه ایران
- موافقتنامه راجع به اقدامات سرمایه‌گذاری مرتبط با تجارت (موافقتنامه تریمز) و آثار حقوقی الحاق ایران به آن
- ابعاد حقوقی انتقال فناوری از طریق سرمایه گذاری خارجی
- سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب قراردادهای ساخت، بهره برداری و انتقال با نگاهی بر قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۱۳۸۱
- نظام حمایت از سرمایه گذاران از رهگذر طرح پرداخت غرامت به آنان در حقوق اتحادیه اروپا

نقد و معرفی

- مصلحت اندیشی هیأت عمومی دیوانعالی کشور در واگذاری رسیدگی برخی جرائم اطفال به دادگاه کیفری استان
- چارچوب حقوقی قطعنامه ۱۶۹۶ شورای امنیت در مورد برنامه هسته‌های جمهوری اسلامی ایران
- نظارت جهانی بر اجرای حقوق بشر: از کمیسیون تا شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد





http://jlr.sdil.ac.ir/article_44511.html

مصلحت‌اندیشی

هیأت عمومی دیوانعالی کشور در واگذاری رسیدگی برخی جرائم اطفال به دادگاه کیفری استان

دکتر علی خالقی*

مقدمه

۱- یکی از موضوعات مهم مورد مطالعه در حقوق کیفری اطفال، مسأله آئین دادرسی و صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده به جرائم اطفال است. طبع و روحیه خاص اطفال و نوجوانان ایجاب می‌کند که در صورت ارتکاب جرم توسط آنها، علل بزهکاری و شخصیت آنها به خوبی شناخته شود تا روشها و واکنشهای مناسب برای اصلاح آنان و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم اتخاذ گردد. برخورد خشن با این دسته از بزهکاران و عدم توجه به تفاوت انگیزه‌ها و شخصیت آنها با بزرگسالان ممکن است تأثیر نامطلوبی بر روند اصلاح و باز اجتماعی شدن آنان گذاشته، روحیه انتقام‌جویی از جامعه را در نهاد آنها بدمد. در مقابل، نشان دادن رفتاری سنجیده و معقول همراه با بردباری و مدارا در برابر آنان می‌تواند از صبغه سرکوبگری واکنش جامعه کاسته، نقش آن در اصلاح و هدایت اطفال و نوجوانان را فزونی بخشد و از تبدیل این بزهکاران اتفاقی^۱ به بزهکاران حرفه‌ای جلوگیری نماید.

* استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

^۱ معمولاً از «اتفاقی بودن» به عنوان یکی از ویژگی‌های بزهکاری اطفال یاد می‌شود. به این معنا که «ارتکاب جرائم به علت عدم آگاهی و عدم توجه به نتایج حاصله از اعمال، تبعیت از احساسات و

۲- با توجه به اهمیت بزهکاری اطفال و لزوم برخورد مناسب با آن، از سالها پیش اسناد بین‌المللی فراوانی مرتبط با این موضوع به تصویب رسیده است که از جمله می‌توان به اعلامیه جهانی حقوق کودک که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شده است (۱۹۵۹)، مجموعه قواعد حداقل سازمان ملل متحد درباره مدیریت و اجرای عدالت کیفری اطفال موسوم به قواعد بیجینگ^۲ (۱۹۸۵)، قواعد سازمان ملل متحد راجع به حمایت از اطفال محروم شده از آزادی (۱۹۹۰)، اصول راهبردی ملل متحد برای پیشگیری از بزهکاری اطفال (۱۹۹۰) و همچنین کنوانسیون حقوق کودک اشاره نمود.^۳ در میان اسناد بین‌المللی مرتبط با موضوع، کنوانسیون حقوق کودک که در سال ۱۹۸۹ به امضاء رسیده است، به عنوان یک سند الزام‌آور برای اعضا، در بند سوم ماده ۴۰ خود مقرر می‌دارد: «دول عضو در جهت افزایش وضع قانون، اتخاذ شیوه‌های رسیدگی و همچنین ایجاد مراجع و نهادهایی خاص برای اطفال مظنون یا متهم به ارتکاب جرم و یا محکوم تلاش خواهند نمود». بدین ترتیب، ایران به عنوان کشوری که به این کنوانسیون پیوسته^۴، متعهد به

← عواطف و بدون سبق تصمیم و پیش‌بینی قبلی صورت می‌گیرد». علی نجفی توانا، *نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان از دیدگاه جرم‌شناسی، مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی*، تهران، راه تربیت، ۱۳۸۲، ص ۳۹.

2 Beijing

^۳ برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک: مریم عباچی، *حقوق کیفری اطفال در اسناد سازمان ملل متحد*، تهران، مجد، ۱۳۸۰، ص ۱۵ به بعد.

^۴ قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک در تاریخ ۷۲/۱۲/۸۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است و در این مصوبه پیوستن کشورمان به این کنوانسیون مشروط به این شده که هرگاه مفاد آن در هر مورد و هر زمان در تعارض با قوانین داخلی و موازین اسلامی باشد یا قرار گیرد، از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران لازم‌الرعايه نباشد. نباید ناگفته گذاشت که امضای معاهدات بین‌المللی و توافق در مورد نکات مورد علاقه طرفین اصولاً به منظور تحقق اهداف مشترک و تمهید زمینه‌های وصول اعضا به این اهداف صورت می‌گیرد و چنانچه موانعی داخلی بر سر راه رسیدن به این اهداف وجود داشته باشد، امضاکنندگان یک پیمان باید تا قبل از تصویب آن توسط مراجع ذیصلاح داخلی نسبت به رفع آن موانع اقدام کنند تا امکان اجرای تعهدات بین‌المللی دولت فراهم گردد. از اینروست که در برخی از کشورها، پس از امضای یک معاهده بین‌المللی توسط نماینده دولت، با اصلاح قوانین داخلی و حتی گاه با اصلاح اصلی از اصول قانون اساسی که مانع تصویب معاهده توسط مجلس است، نسبت به رفع موانع داخلی جهت الحاق به معاهده اقدام می‌شود تا زمینه وصول به اهداف مشترک دول عضو معاهده نیز فراهم گردد. بدین

←

اجرای مفاد آن در حقوق داخلی خود، و از جمله کوشش در جهت وضع قوانینی برای تشکیل مراجع قضائی ویژه رسیدگی به جرائم اطفال است.

الف- دادگاههای اطفال: گذشته و حال

۳- در ایران، تا قبل از سال ۱۳۳۸، دادگاه خاصی برای رسیدگی به جرائم اطفال پیش‌بینی نشده بود. تا پیش از این تاریخ، قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ که افراد زیر ۱۲ سال تمام را غیرقابل مجازات، و افراد ۱۲ تا ۱۸ سال را مستحق مجازاتی کمتر از میزان مجازات افراد دارای ۱۸ سال تمام می‌دانست، در ماده ۳۷ خود اعلام کرده بود که هرگاه اشخاصی که بیش از ۱۵ سال تمام سن داشته ولی به سن ۱۸ سالگی نرسیده باشند مرتکب جرمی شوند، اگر چه جرم آنها از درجه جنایت باشد، در دادگاه جنحه محاکمه می‌شوند.

در سال ۱۳۳۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار به تصویب رسید و به موجب ماده ۱ آن برای نخستین بار دادگاه اطفال برای رسیدگی به جرائم اطفال، یعنی افراد بین ۶ تا ۱۸ سال تمام، در حوزه هر دادگاه شهرستان تشکیل و مقرر شد که در هر حوزه تا زمانی که دادگاه اطفال تشکیل نشده باشد، جرائم این افراد در دادگاه جنحه مورد رسیدگی قرار گیرد. قانون مذکور به صلاحیت خاص قاضی دادگاه اطفال برای احراز این سمت توجه کرده بود و در مورد جنایات، حضور دو مشاور از میان کارمندان قضائی بازنشسته یا فرهنگی (استاد، مدیر، دبیر، آموزگار) یا اداری یا معتمدین محل را که در این امور علاقه و بصیرت داشته باشند و نظر مشورتی خود را به قاضی دادگاه بدهند، پیش‌بینی نموده بود. از نظر آئین دادرسی نیز مقررات خاصی بر رسیدگی دادگاه اطفال حاکم بود که مهمترین آن را می‌توان انجام تحقیقات مقدماتی توسط دادگاه، و نه بازپرس، دانست. این دادگاهها تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی فعالیت داشتند تا اینکه لایحه قانونی تشکیل دادگاههای عمومی مصوب ۱۳۵۸ که دادگاههای صلح را برای رسیدگی به جرائم خلافی و جنحه‌ای و

← ترتیب، وضع شرطهای کلی و مبهم، مانند عدم مغایرت با قوانین داخلی و موازین اسلامی، اقدامی مخالف با موضوع و هدف معاهده، یا به تعبیری خلاف مقتضای ذات این توافق به شمار می‌رود و از نظر حقوق بین‌الملل فاقد اعتبار تلقی می‌شود، بدون اینکه به اصل تعهدات ناشی از معاهده مورد تصویب خللی وارد آورد.

دادگاه‌های عمومی جزایی را برای رسیدگی به جنایات تشکیل می‌داد، در تبصره ماده ۱۲ خود صراحتاً اعلام نمود: «به جرائم اطفال در دادگاه جزا به ترتیب مقرر در قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار رسیدگی خواهد شد».

بدین ترتیب، تبصره فوق را می‌توان پایان کار دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جرائم اطفال در ایران به شمار آورد و در قوانین بعدی، از جمله قانون اصلاح موادی از قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۱ نیز، دادگاه ویژه‌ای برای رسیدگی به جرائم اطفال پیش‌بینی نشد. از زمان تصویب قانون اخیر، دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ برای رسیدگی به جرائم افراد قطع نظر از سن آنها در زمان ارتکاب تأسیس شدند و تا زمان تشکیل دادگاه‌های عمومی در سال ۱۳۷۳ به کار خود ادامه دادند.

۴- با تصویب قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۷۳/۴/۱۵ تنها یک دادگاه به نام دادگاه عمومی وظیفه رسیدگی به همه جرائم و همچنین دعاوی حقوقی و امور حسبی را بر عهده گرفت و رسیدگی به جرائم معینی نیز به دادگاه‌های انقلاب واگذار شد، ضمن آنکه دادگاه‌های نظامی نیز صلاحیت خود در مورد جرائم افراد نظامی را حفظ کردند. اما نخستین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دادگاه اطفال در سال ۱۳۷۸ و ضمن تصویب قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (ق.آ.د.ک.) تأسیس گردید. به موجب ماده ۲۱۹ این قانون در هر حوزه قضائی و در صورت نیاز، یک یا چند شعبه از دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به کلیه جرائم اطفال اختصاص داده شده است. با این همه، نباید این دادگاهها را که دادگاه اطفال هم نامیده می‌شوند در زمره دادگاه‌های اختصاصی که فقط به جرائم دسته‌ای خاص از افراد رسیدگی می‌کنند دانست بلکه این دادگاهها شعب تخصصی دادگاه‌های عمومی هستند نه دادگاه‌های اختصاصی. به عبارت دیگر، دادگاه‌های مذکور با حفظ صلاحیت عام خود برای رسیدگی به همه جرائم، تنها شعبی هستند که در یک حوزه قضائی معین، پرونده‌های جرائم اطفال منحصرأً به آنها ارجاع می‌شود ولی صلاحیت آنها منحصر به رسیدگی به جرائم اطفال نیست. از همین روست که ماده ۲۳۱ همین قانون تصریح می‌کند: «اختصاصی بودن بعضی از شعب دادگاه‌های عمومی مانع از ارجاع سایر پرونده‌ها به آن شعب نمی‌باشد».

در این دادگاهها، ویژگی و صلاحیت خاصی برای قضات در نظر گرفته نشده و حضور مشاور در دادگاه نیز پیش‌بینی نگردیده است.

۵- در مورد اشخاصی که در دادگاه اطفال قابل محاکمه هستند باید خاطر نشان ساخت که هرکس که متهم به ارتکاب جرمی باشد و در تاریخ ارتکاب عمل منتسب به او به سن ۱۸ سال تمام شمسی نرسیده باشد، رسیدگی به اتهام وی در دادگاه اطفال به عمل خواهد آمد. با اینحال، ق.آ.د.ک. بر حسب اینکه متهم در زمان ارتکاب عمل، بالغ بوده یا صغیر، مقررات متفاوتی را از لحاظ آئین رسیدگی پیش‌بینی کرده است و افراد اخیر را که طفل نامیده می‌شوند در برخی زمینه‌ها تابع مقررات متمایزی نسبت به بزرگسالان قرار داده است.^۵ از نظر قانون مورد بحث، طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد و همچون حقوق کیفری ماهوی، سن بلوغ شرعی در قوانین جزایی مسکوت مانده و آن را باید از قانون مدنی وام گرفت.^۶

بررسی مقررات افتراقی موجود در حقوق ما در زمینه جرائم اطفال نشان‌دهنده این نکته است که به دلیل پائین بودن سن بلوغ قانونی در ایران، بیشتر متهمانی که در دادگاه اطفال محاکمه می‌شوند، یعنی افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال، عملاً از مقررات مساعدتری که برای رسیدگی به جرائم اطفال پیش‌بینی شده محروم گردیده‌اند و کسانی هم که مشمول این مقررات قرار دارند اصولاً به دلیل عدم بلوغ، فاقد مسؤولیت کیفری به شمار می‌روند.^۷

^۵ این مقررات متفاوت از مقررات عمومی عبارتند از: لزوم حضور ولی یا سرپرست یا وکیل متهم در دادگاه و یا تعیین وکیل تسخیری برای او توسط دادگاه (ماده ۲۲۰)؛ قرار تأمین متفاوت (ماده ۲۲۴ و تبصره آن)؛ غیرعلنی بودن رسیدگی (ماده ۲۲۵) حتی نسبت به خود متهم (ماده ۲۲۶)؛ تجدیدنظر دادگاه در تصمیمات خود (ماده ۲۲۹)؛ انجام تحقیقات مقدماتی توسط قاضی (ماده ۲۲۱). با وجود تشکیل دوباره دادرسی به عنوان مرجع تعقیب و تحقیق جرائم در سال ۱۳۸۱، تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب اصلاحی ۸۱/۷/۲۸ انجام تحقیقات مقدماتی جرائم اطفال را به دادرسی واگذار نکرد و اعلام نمود که جرائم اطفال مستقیماً در دادگاههای مربوط مطرح می‌شود.

^۶ بر اساس تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی: «سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است».

^۷ مواردی که متهم دختری کوچکتر از ۹ سال تمام قمری یا پسری کوچکتر از ۱۵ سال تمام قمری باشد، فراوان نیست و معمولاً هم این افراد مورد برخورد ارفاقی دادگاه قرار می‌گیرند. جز در مواردی که بطور استثنائی در قانون مجازاتی برای این دسته افراد در نظر گرفته شده (مواد ۱۱۲، ۱۱۳ قانون مجازات اسلامی) یا به نظر حاکم قابل تأدیب شناخته شده باشند (ماده ۱۴۷ همان قانون)، تربیت آنها با نظر دادگاه بر عهده سرپرست و یا کانون اصلاح و تربیت است (ماده ۵۰ قانون مذکور). بدین ترتیب، محدود ساختن مقررات ویژه رسیدگی دادگاه اطفال به موارد خاصی که متهم

ب- دادگاه‌های کیفری استان: بازگشت به شیوه تعدد قاضیان

۶- قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۸۱/۷/۲۸، که به دلیل مهمترین دستاورد آن گاه به اختصار قانون احیاء دادرها خوانده می‌شود، حاوی نکات مهم دیگری نیز هست که یکی از آنها تفکیک صلاحیت دادگاه‌های عمومی به حقوقی و جزایی است. در واقع، همزمان با حذف دادرها از نظام قضائی کشور که مجوز آن در قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۷۳/۴/۱۵ صادر شده بود، این قانون دادگاه‌های واحدی با صلاحیت عام برای رسیدگی به کلیه امور حقوقی و جزایی تشکیل داده بود. با تجدیدنظر در این متن، اصلاحیه سال ۱۳۸۱ صلاحیت دادگاهها را بر حسب اینکه به موضوع حقوقی رسیدگی کنند یا کیفری به دادگاه‌های حقوقی و جزایی عمومی تفکیک نمود. در عین حال، به دلیل شدت و اهمیت مجازات برخی جرائم و یا ابعاد سیاسی - اجتماعی برخی دیگر از جرائم، قانونگذار دادگاه‌های کیفری استان را تشکیل و رسیدگی به پاره‌ای جرائم را در صلاحیت آنها قرار داد. بدین ترتیب، به موجب تبصره ماده ۴ و تبصره ۱ ماده ۲۰ قانون مزبور رسیدگی به جرائمی که مجازات آنها قصاص نفس، قصاص عضو، رجم، صلب، اعدام یا حبس ابد است و همچنین رسیدگی به کلیه جرائم سیاسی و مطبوعاتی قطع نظر از میزان مجازات آنها بر عهده دادگاه کیفری استان قرار گرفت.^۸

ویژگی مثبت این دادگاه، حاکمیت اصل تعدد قضات در آن است به گونه‌ای که برای رسیدگی به جرائم سیاسی و مطبوعاتی یا جرائم مستوجب قصاص عضو از سه

← در زمان ارتکاب جرم به سن بلوغ نرسیده است، قابل دفاع نیست و تسری آنها به همه پرونده‌های مورد رسیدگی در این دادگاهها مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

^۸ علاوه بر صلاحیت ذاتی که از نظر نوع جرم برای این دادگاهها ایجاد می‌شود، دادگاه‌های کیفری استان تهران واجد صلاحیت شخصی رسیدگی به بعضی جرائم هستند که از نظر سبب و موقعیت مرتکب جرم برای آنها ایجاد می‌شود و نوعی صلاحیت اضافی برای دادگاه‌های کیفری استان تهران و استثنائی بر صلاحیت محلی آنها محسوب می‌گردد. از این نظر، رسیدگی به کلیه اتهامات اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، وزرا و معاونین آنها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه، سفرا، دادستان و رئیس دیوان محاسبات، دارندگان پایه قضائی، استانداران، فرمانداران و جرائم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استانها در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران قرار دارد.

نفر (رئیس و دو مستشار) و هنگام رسیدگی به جرائمی که مجازات آنها قصاص نفس، اعدام، رجم، صلب یا حبس ابد است از پنج نفر (رئیس و چهار مستشار) تشکیل می‌گردد. بدین ترتیب، پس از گذشت بیست سال از زمان تصویب قانون اصلاح موادی از قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۶۱ که با تأسیس دادگاههای کیفری ۱ و ۲ به روش تعدد قضاات در رسیدگی‌های کیفری پایان داد، این نخستین بار است که قانونگذار در جرائم مهمی که مجازات برخی از آنها می‌تواند حتی منجر به سلب حیات محکوم‌علیه گردد، به درستی شرکت قضاات متعدد را در رسیدگی پیش‌بینی نموده و از سپردن سرنوشت متهم به دست قاضی واحد خودداری ورزیده است. اینکه گاه گفته می‌شود «قاضی واحد، قاضی ظالم»^۹ است به دلیل امکان بروز اشتباه قضائی و صدور احکام ظالمانه از جانب یک قاضی است، در حالی که تعدد قضاات رسیدگی‌کننده به یک اتهام از احتمال ورود اشتباه قضائی در رأی دادگاه تا حد زیادی می‌کاهد. علاوه بر این، در نظام قضائی کشورهایی که دخالت هیأت منصفه در رسیدگی‌های کیفری آنها عمومیت نداشته و محدود به موارد خاصی است، پیش‌بینی تعدد قضاات در دادرسی‌های کیفری فاقد هیأت منصفه بسیار بجا و شایسته است که می‌تواند تا حد زیادی از خودکامگی قضاات در صدور آراء قضائی جلوگیری نماید و قبول آن در کشورمان را باید به فال نیک گرفت.

ج- اختلاف در صلاحیت دادگاههای اطفال و دادگاههای کیفری استان

۷- پس از تأسیس دادگاههای کیفری استان در سال ۱۳۸۱، دیری نپائید که رویه قضائی در مورد تعیین دادگاه صالح به رسیدگی به پرونده‌هایی که دو جنبه فوق در آنها جمع بود، دچار تردید گردید، یعنی پرونده‌هایی که از یکسو متهم آنها در زمان ارتکاب جرم کمتر از ۱۸ سال تمام داشته و از سوی دیگر، اتهام او در صورت اثبات، مستلزم یکی از مجازاتهای مقرر در صلاحیت دادگاه کیفری استان می‌گردید. در پرونده وحدت رویه ردیف ۶/۸۵، هیأت عمومی دیوانعالی کشور در جلسه مورخ ۸۵/۳/۲ به اختلاف آراء شعب بیستم و بیست و هفتم دیوانعالی کشور در مورد

^۹ Juge unique, juge inique, expression citée par: Jean PRADEL, *Procédure pénale*, Paris, Cujas, 12^e-éd., 2004, p. 45.

دادگاه صالح در این فرض رسیدگی کرده و رأی وحدت رویه شماره ۶۸۷ مورخ ۸۵/۳/۲ را صادر نموده است.^{۱۰}

۸- در پرونده‌ای که در شعبه بیستم دیوانعالی کشور مطرح گردیده بود، متهم پسر شانزده ساله‌ای بود که به اتهام ربودن پسر بچه‌ای هفت ساله و لواط با وی تحت تعقیب قرار گرفته بود که پس از صدور قرار وثیقه معادل پانصد میلیون ریال برای وی^{۱۱}، در خصوص اتهام آدم ربایی قرار عدم صلاحیت محلی به شایستگی دادسرای عمومی و انقلاب کرج صادر، و در مورد اتهام لواط مستنداً به تبصره ۳ ماده ۳ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، که از موارد عدم انجام تحقیقات مقدماتی در دادسراست، پرونده مستقیماً به دادگاه کیفری استان تهران ارسال شده بود. شعبه ۷۷ دادگاه کیفری استان تهران با توجه به سن متهم و به استناد تبصره ماده ۲۲۰ ق.آ.د.ک. و رأی وحدت رویه شماره ۶۵۵ مورخ ۷۹/۸/۳ قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه عمومی جزایی کرج ویژه رسیدگی به جرائم اطفال صادر کرده است.

متقابلاً، شعبه ۱۲۲ دادگاه عمومی جزایی کرج با توجه به نوع اتهام و مجازات آن رسیدگی را در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران دانسته که با حدوث اختلاف در صلاحیت، پرونده جهت حل اختلاف به شعبه بیستم دیوانعالی کشور ارجاع شده است. این شعبه نیز با اعلام اینکه با تصویب تبصره ماده ۴ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱، تبصره ذیل ماده ۲۲۰ ق.آ.د.ک. در مورد افراد بالغ کمتر از ۱۸ سال در جرائمی که از مصادیق تبصره ماده ۴ باشد، نسخ ضمنی شده است و بعید به نظر می‌رسد که با حکومت تبصره ماده ۴ قانونگذار اعتقاد داشته باشد که محاکمه کسانی که مرتکب جرائم مذکور در این تبصره شوند و بیش از ۱۸ سال داشته باشند در دادگاه کیفری استان با شرکت پنج نفر قاضی انجام شود ولی

^{۱۰} روزنامه رسمی شماره ۱۷۸۶۵ مورخ ۸۵/۴/۷.

^{۱۱} از نظر قانونی، پسر ۱۶ ساله بالغ محسوب (تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی) و به کلیه جرائم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال طبق مقررات عمومی رسیدگی می‌شود (تبصره ماده ۲۲۰ ق.آ.د.ک.). بنابراین، با توجه به دو اتهام متهم مبنی بر آدم‌ربایی و لواط، که مجازات جرم اخیر اعدام است و با توجه به بندهای «الف» و «ب» ماده ۳۵ ق.آ.د.ک. که در اینگونه موارد صدور قرار بازداشت متهم را الزامی دانسته است، دلیل صدور قرار وثیقه از جانب مقام قضائی رسیدگی‌کننده معلوم نیست.

اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال در دادگاههایی با وحدت قاضی محاکمه شوند، رأی به صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران داده است.

۹- در پرونده دیگری که در شعبه بیست و هفتم دیوانعالی کشور رسیدگی شده، پسر هفده ساله‌ای به اتهام قتل عمدی، سرقت مسلحانه مقرون به آزار و تهدید و سوزاندن جسد در دادگاه کیفری استان همدان تحت تعقیب قرار گرفته است که این شعبه با توجه به سن متهم اقدام به صدور قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه اطفال همدان نموده و متقابلاً دادگاه اطفال همدان به دلیلی که در گزارش رأی هیأت عمومی در روزنامه رسمی ذکر نشده، و احتمالاً نوع اتهام قتل عمدی که موجب مجازات قصاص نفس است، قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه کیفری استان همدان صادر کرده است. با ایجاد اختلاف در صلاحیت، پرونده به شعبه بیست و هفتم دیوانعالی کشور ارجاع گردیده و این شعبه نیز با اعلام صلاحیت دادگاه اطفال اقدام به حل اختلاف نموده است.

د- راه حل هیأت عمومی دیوانعالی کشور در بونه نقد

۱۰- با اعلام صدور آراء مختلف از شعب دیوانعالی کشور، هیأت عمومی دیوان در تاریخ ۸۵/۳/۲ تشکیل جلسه داده و اقدام به صدور رأی وحدت رویه شماره ۶۸۷ به شرح ذیل نموده است:

«برابر تبصره ماده ۲۲۰ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸/۱/۲۲^{۱۲} به کلیه جرائم اشخاص بالغ کمتر از هجده سال تمام در دادگاه اطفال طبق مقررات عمومی رسیدگی می‌شود و مطابق تبصره یک ماده ۲۰ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۱^{۱۳} رسیدگی به جرائم مستوجب قصاص عضو یا قصاص نفس یا

^{۱۲} این قانون توسط کمیسیون امور قضائی و حقوقی مجلس به صورت آزمایشی در تاریخ ۷۸/۶/۲۸ تصویب رسیده است و این تاریخ، تاریخ تصویب قانون محسوب می‌گردد، در حالی که تاریخ ۷۸/۱/۲۲ که در متن رأی ذکر شده، تاریخ موافقت مجلس با مدت سه ساله جهت اجرای آزمایشی آن بوده است.

^{۱۳} تاریخ صحیح تصویب این قانون نیز ۱۳۸۱/۷/۲۸ است. متأسفانه چندی است که علاوه بر اشکالات

اعدام یا رجم یا صلب و یا حبس ابد و نیز جرائم مطبوعاتی و سیاسی، در دادگاه تجدیدنظر استان که در این مورد دادگاه کیفری استان نامیده می‌شود، به عمل می‌آید و به موجب این تبصره، رسیدگی بدوی به جرائم مذکور در این قانون، با توجه به اهمیت آنها از نظر شدت مجازات و لزوم اعمال دقت بیشتر از حیث آثار اجتماعی، از صلاحیت عام و کلی دادگاه اطفال که با یک نفر قاضی اداره می‌شود بطور ضمنی منتزع گردیده و در صلاحیت دادگاه کیفری استان که غالباً از پنج نفر قاضی تشکیل می‌یابد قرار داده شده است. بنا به مراتب فوق، به نظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوانعالی کشور، صلاحیت کلی دادگاههای اطفال در رسیدگی به تمامی جرائم اشخاص بالغ کمتر از هجده سال تمام، با تصویب تبصره ماده ۲۰ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱، منحصرأ در رسیدگی به جرائم مذکور در این تبصره، مستثنا گردیده است و رأی شعبه بیستم دیوانعالی کشور در حدی که با این نظر انطباق دارد صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد...».

۱۱- بررسی و مقایسه صلاحیت دادگاه اطفال با دادگاه کیفری استان نشان می‌دهد که صلاحیت دادگاه اطفال صلاحیتی شخصی و مبتنی بر شخصیت متهم به ارتکاب جرم است. معیار این صلاحیت نیز سن متهم در زمان ارتکاب عمل منتسب به اوست و دسته خاصی از افراد یعنی کسانی که سن آنها کمتر از ۱۸ سال تمام است در صورت ارتکاب جرم در این دادگاه محاکمه می‌شوند. در مقابل، صلاحیت دادگاه کیفری استان، صلاحیتی موضوعی و مبتنی بر نوع جرم ارتكابی است و تنها تعداد معینی از جرائم برای رسیدگی به این دادگاه واگذار می‌گردند. بدین ترتیب،

← انشائی و عبارتی در متن قوانین مورد تصویب مجلس، که نمونه فراموش‌نشده آن را می‌توان در قانون فوق به وضوح دید، بروز اشتباهات تاپپی در مرحله انتشار این مصوبات در اداره روزنامه رسمی نیز فراوان شده است. اگر مشاهده اینگونه اشتباهات در سایر مطبوعات قابل مسامحه باشد، در روزنامه رسمی کشور که محل انتشار متن رسمی قوانین و مقررات کشور و مرجع استناد مقامات قضائی و اجرایی محسوب می‌گردد، پذیرفتنی نیست. در مورد رأی وحدت رویه فوق نیز، با وجود انتشار دو اصلاحیه جداگانه در شماره‌های بعدی منتشر شده پس از انتشار متن رأی، هنوز به دو اشکال یاد شده درباره تاریخ تصویب قوانین مورد استناد، اشاره‌ای نشده است. البته باید امیدوار بود که این اشتباهات این بار از قضات هیأت عمومی دیوانعالی کشور سرنزده باشد.

خصوصیتی که سبب تحقق صلاحیت هریک از این دو دادگاه می‌شود، در مورد دادگاه اطفال، شخصی و در مورد دادگاه کیفری استان، موضوعی است. در آراء مختلفی هم که صدور آنها موجب تشکیل جلسه هیأت عمومی دیوانعالی کشور شده بود، توجه به هریک از این دو جنبه متفاوت سبب تشخیص صلاحیتی مغایر با دیگری گردیده بود، به گونه‌ای که در نظر گرفتن سن متهم باعث اعتقاد به صلاحیت دادگاه اطفال، و در نظر گرفتن نوع جرم منجر به اعلام صلاحیت دادگاه کیفری استان شده بود.

واقعیت این است که با متفاوت بودن معیار صلاحیت دادگاههای اطفال و کیفری استان نمی‌توان قواعد مربوط به نسخ مقررات سابق به وسیله احکام لاحق را جاری نمود و قائل به رد صلاحیت یکی از آنها به نفع صلاحیت دیگری شد. هریک از این دو دادگاه قلمرو صلاحیت ویژه خود را دارد و نباید با قلمرو صلاحیت دادگاه دیگر تداخل نماید. بدین ترتیب، با اختصاص یافتن امر رسیدگی به جرائم افرادی معین به دادگاهی خاص، تشکیل دادگاههای جدیدی که فقط به نوع جرم توجه نموده و دلالتی بر تغییر ملاک صلاحیت دادگاههای سابق ندارد، نباید سبب حذف و یا محدود ساختن صلاحیت دادگاههای پیشین گردد، بلکه رسیدگی دادگاههای جدید باید محدود به جرائم افرادی باشد که جرائم آنها از لحاظ شخصی در صلاحیت دادگاه خاصی قرار ندارد. اگر نتیجه‌ای که هیأت عمومی دیوانعالی کشور به آن رسیده صحیح باشد، در سایر مواردی هم که صلاحیت دادگاههای سابق، به تنهایی یا همراه با ملاکی دیگر، مبتنی بر شخصیت متهم بوده است، مانند صلاحیت دادگاه نظامی یا دادگاه ویژه روحانیت، با تشکیل دادگاه کیفری استان باید قائل به این شد که آن دسته از جرائم ارتكابی توسط افراد نظامی یا روحانی که مستلزم مجازاتهای مذکور در صلاحیت دادگاههای کیفری استان است، از صلاحیت دادگاههای نظامی یا ویژه روحانیت جدا شده و در صلاحیت دادگاههای کیفری استان قرار گرفته است، در حالی که بعید است که کسی چنین نتیجه‌ای را بپذیرد.

۱۲- رأی مورد بحث با رأی وحدت رویه دیگری از هیأت عمومی دیوانعالی کشور که در تاریخ ۷۹/۸/۳ صادر شده نیز ناسازگار به نظر می‌رسد. در این رأی، در مورد اختلاف نظر دادگاههای تجدیدنظر استان گلستان درباره دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم حمل و فروش مواد مخدر توسط فردی که زیر ۱۸ سال تمام سن دارد، هیأت

عمومی آن دیوان با اعلام اینکه: «تبصره ماده ۲۲۰ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ مقرر داشته که به کلیه جرائم اشخاص کمتر از ۱۸ سال تمام بر طبق مقررات عمومی در دادگاه اطفال رسیدگی می‌شود و نظر به اینکه فلسفه وضع قانون دادگاه اطفال مبتنی بر تربیت و تهذیب می‌باشد و نیز خصوصیات جسمی و روانی و اصل عدم مسئولیت اطفال بزهکار ایجاب کرده که قانونگذار با رعایت قاعده حمایت از مجرم دادگاه خاصی را در مورد رسیدگی به مطلق جرائم آنها تشکیل دهد» رأی به صلاحیت دادگاه اطفال داده است.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که در قضیه‌ای دیگر هم منشأ اختلاف نظر درباره صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده، تفاوت مبنای صلاحیت دو دادگاه طرف اختلاف بوده است. از یکسو، دادگاه اطفال بر اساس سن متهم صالح به رسیدگی به نظر می‌رسید و از سوی دیگر، صلاحیت دادگاه انقلاب بر مبنای عمل متهم یعنی حمل و فروش مواد مخدر (بند ۵ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب) قابل توجیه بود. هیأت عمومی در این رأی، با اعلام اینکه برای رسیدگی به مطلق جرائم دسته خاصی از افراد (زیر ۱۸ سال تمام) دادگاه خاصی تشکیل شده است، این دادگاه را صالح به رسیدگی به همه جرائم این افراد دانسته و جرائم داخل در صلاحیت دادگاه انقلاب را تنها ناظر به اعمال سایر افراد (۱۸ سال به بالا) تلقی نموده است. پس بر همین اساس، در مقام حل تعارض صلاحیت دادگاههای اطفال و کیفری استان در رسیدگی به جرائم افراد زیر ۱۸ سال تمام نیز دیوان باید به همان نتیجه می‌رسید و دادگاههای اطفال را برای رسیدگی به مطلق جرائم افراد کمتر از ۱۸ سال تمام صالح می‌دانست.

۱۳- در مقام ایجاد وحدت رویه دادگاهها و تعیین دادگاه صلاحیتدار توسط هیأت عمومی دیوانعالی کشور، به نظر نمی‌رسد که تقدم و تأخر زمانی تصویب قوانین موجد صلاحیت دادگاهها نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم هیأت عمومی داشته باشد و این هیأت صلاحیت دادگاه تأسیس شده به موجب قانون لاحق را لزوماً نافی صلاحیت دادگاه تشکیل شده به وسیله قانون سابق بدانند. شاهد این مدعا نیز رأی وحدت رویه دیگری است که در تاریخ ۸۲/۱۰/۳۰ در مورد اختلاف در صلاحیت

دادگاه انقلاب و دادگاه کیفری استان صادر شده است.^{۱۴} همانگونه که پیشتر گفته شد یکی از موارد صلاحیت رسیدگی دادگاههای انقلاب، جرائم مربوط به مواد مخدر است (بند ۵ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب) که مجازات برخی از آنها به اعدام نیز می‌رسد. در مقابل، چنانکه اشاره شد یکی از موارد صلاحیت دادگاههای کیفری استان نیز رسیدگی به جرائمی است که برای آنها مجازات اعدام تعیین شده است. متن قانونی موجد صلاحیت برای دادگاههای انقلاب، یعنی بند ۵ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب، در تاریخ ۷۳/۴/۱۵ به تصویب رسیده است در حالی که مجوز قانونی تشکیل و تعیین صلاحیت دادگاههای کیفری استان، تبصره ماده ۴ و تبصره یک ماده ۲۰ قانون فوق است که به موجب اصلاحات مورخ ۸۱/۷/۲۸ به متن سابق اضافه شده است. اعمال صرف و ساده قواعد مربوط به نسخ مقررات سابق توسط احکام لاحق می‌توانست منجر به این نتیجه گردد که در مورد آن دسته از جرائم مواد مخدر که مجازات مرتکب آنها اعدام است، رسیدگی و صدور حکم بر عهده دادگاه کیفری استان قرار دارد. بر پایه همین طرز تفکر است که شعبه بیستم دیوانعالی کشور به موجب دادنامه شماره ۲۰/۷۸ مورخ ۸۲/۳/۲۰ اعلام نموده است: «طبق تبصره الحاقی به ماده ۴ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۷/۲۸ رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو یا رجم یا صلب یا اعدام یا حبس ابد است در دادگاه کیفری استان به عمل خواهد آمد و چون تبصره الحاقی نسبت به بند ۵ ماده ۵ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ موخرالتصویب می‌باشد در جرائم مربوط به مواد مخدر در مواردی که مجازات قانونی آن اعدام یا حبس ابد باشد، صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی نسخ ضمنی شده است».

اما بر خلاف این برداشت، که متضمن محاکمه متهم در دادگاهی با پنج قاضی به جای یک قاضی است، هیأت عمومی دیوانعالی کشور به موجب رأی وحدت رویه مورخ ۸۲/۱۰/۳۰ در این خصوص اعلام نمود: «به موجب ماده پنجم قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب اسلامی مصوب پانزدهم تیر ماه هزار و سیصد و هفتاد

^{۱۴} درباره این رأی و انتقاد از آن، نک: محمدرضا سلوکی، «نقدی بر رأی وحدت رویه شماره ۲۳۰۹ مورخ ۸۲/۱۰/۳۰ دیوانعالی کشور راجع به مرجع صالح برای رسیدگی به جرائم مستلزم مجازات اعدام»، فصلنامه دیدگاههای حقوقی، ۱۳۸۳، ش ۳۲-۳۳، ص ۲۹ به بعد.

و سه با اصلاحات و الحاقات بعدی، رسیدگی به جرائم ذیل مطلقاً در صلاحیت دادگاههای انقلاب اسلامی است... ۵- کلیه جرائم مربوط به قاچاق و مواد مخدر... و علیرغم اصلاحات و الحاقات مورخ ۱۳۸۱/۷/۲۸ این ماده کماکان به قوت خود باقی... است و... تبصره یک الحاقی به ماده ۴ قانون یاد شده که به موجب آن رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها اعدام می‌باشد را در صلاحیت دادگاههای کیفری استان قرار داده است منصرف از موارد صلاحیت ذاتی دادگاههای انقلاب اسلامی می‌باشد...»^{۱۵}.

۵- طولانی شدن انتظار برای تحویل در حقوق کیفری اطفال

۱۴- رأی وحدت رویه مورخ ۸۵/۳/۲، توجه ما را به نکته دیگری نیز جلب می‌کند و آن طولانی شدن روند تصویب لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان است که پس از گذشت مدت مدیدی از تهیه و ارسال آن توسط قوه قضائیه به هیأت دولت در شهریور ۱۳۸۲، سرانجام در جلسه مورخ ۸۳/۹/۱۱ به تصویب هیأت وزیران رسیده و در تاریخ ۸۳/۱۱/۱۸ توسط دولت به مجلس شورای اسلامی تسلیم گردیده است. این لایحه که در ۵۵ ماده تصویب شده و در صورت تصویب، منجر به تحولات مثبتی در زمینه حقوق کیفری ماهوی و شکلی افراد زیر ۱۸ سال تمام شمسی می‌گردد، به درستی منشور حقوق کیفری اطفال در ایران نامیده شده است. به موجب این لایحه، در حوزه قضائی هر شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان تشکیل خواهد شد که رسیدگی به کلیه جرائم افراد کمتر از ۱۸ سال تمام شمسی را بر عهده خواهد داشت. هر شعبه دادگاه متشکل از یک قاضی و دو مشاور خواهد بود که قاضی مذکور از بین قضاتی که دارای حداقل ۵ سال سابقه کار قضائی بوده و شایستگی آنان برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل و ترجیحاً داشتن فرزند، و گذراندن دوره آموزشی محرز باشد، انتخاب می‌شوند. مشاوران دادگاه نیز از میان متخصصان علوم روانشناسی و تربیتی،

^{۱۵} چنانچه فرد بالغ زیر ۱۸ سال تمام متهم به یکی از جرائم مواد مخدر گردد که مجازات آن اعدام باشد، دادگاه صالح کدام است؟ با در نظر گرفتن سه رأی وحدت رویه صادره شده در این موضوع که ذکر گردید، به نظر می‌رسد که هم اکنون دادگاه صلاحیت‌دار برای رسیدگی به این اتهام دادگاه کیفری استان است.

مددکاران اجتماعی و دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روانشناسی و تربیتی کودکان و نوجوانان انتخاب خواهند شد و در صورتی که متهم دختر باشد، حضور یک مشاور زن در جلسات الزامی خواهد بود. در این لایحه پیش‌بینی شده است که چنانچه متهم کمتر از ۱۸ سال تمام داشته و رسیدگی به اتهام او در صلاحیت دادگاه کیفری استان باشد (مثلاً جرمی که مجازات آن اعدام است)، در دادگاه کیفری استان ویژه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان و با حضور مشاوران مذکور محاکمه خواهد شد.

از لحاظ آئین دادرسی نیز تغییرات قابل توجهی در حال شکل‌گیری است: عدم دخالت دادسرا در برخی جرائم افراد زیر ۱۸ سال و انجام تحقیقات مقدماتی آنها توسط دادگاه، امکان معلق یا موقوف نمودن تعقیب کیفری برخی جرائم افراد مذکور با ملاحظه شخصیت، منش، وضع اجتماعی و تحصیلی متهم و اوضاع و احوال وقوع جرم، پیش‌بینی میانجی‌گری کیفری به منظور برقراری سازش بین طرفین، توقف اجرای حکم در صورت سازش میان طرفین یا گذشت شاکی در کلیه جرائم اعم از قابل گذشت یا غیرقابل گذشت، به استثناء جرائم مستوجب حد، به تعویق انداختن صدور حکم پس از رسیدگی و احراز مجرمیت متهم و تعیین دستورهای جهت اجرا توسط وی از جمله این تحولات است. با وجود نکات مثبت یاد شده در این لایحه، که لازم است با پیش‌بینی موارد دیگری همچون دخالت الزامی وکیل در دادرسی اطفال و نوجوانان و حذف موانع مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی، تکمیل گردد، لایحه مذکور هنوز به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است. از اینرو، با توجه به ارجاع احتمالی لایحه مذکور به مجمع تشخیص مصلحت نظام به دلیل قابل پیش‌بینی بودن مخالفت شورای نگهبان با برخی مواد آن، ضرورت دارد که قوه قانونگذاری کشور در بررسی لایحه شتاب بیشتری از خود نشان دهد.^{۱۶}

^{۱۶} مدتی بعد از نگارش مقاله حاضر و قبل از انتشار آن، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه مورخ ۸۵/۵/۳۰ با ۱۴۲ رأی موافق در برابر ۳۶ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع، کلیات این لایحه را به تصویب رساندند.

حاصل سخن

۱۵- به نظر می‌رسد که رأی وحدت رویه مورد بحث، بیش از هر چیز در پی یافتن راه حلی برای تأمین شرایط یک دادرسی دقیقتر و عادلانه‌تر نسبت به جرائم اطفال بوده است و در قوانین فعلی ما تشکیلات و آئین رسیدگی دادگاههای اطفال چنین شرایطی را فراهم نمی‌سازند. از یکسو، عدم پیش‌بینی صلاحیتهای خاص برای قاضی متصدی این دادگاهها و از سوی دیگر نظام وحدت قاضی بدون مشاور یا مستشار و سرانجام محدود نبودن صلاحیت آنها به رسیدگی به جرائم اطفال که مانع شکل‌گیری تخصص و تجربه در رسیدگی به جرائم این دسته از متهمان می‌شود، سازمان و تشکیلات قضائی مطلوبی را برای رسیدگی به جرائم اطفال ترسیم نمی‌کند. به این نکات، عدم کفایت آئین دادرسی ویژه جرائم اطفال و نیز عدم شمول معهود مقررات خاص پیش‌بینی شده نسبت به افراد بالغ زیر ۱۸ سال تمام که عملاً بیشترین متهمان دادگاههای اطفال را تشکیل می‌دهند، اضافه می‌شود. در چنین شرایطی، فرد بالغی که سن او کمتر از ۱۸ سال تمام است و متهم به ارتکاب جرمی می‌شود که در صورت اثبات، مجازات آن اعدام است یا باید در دادگاهی محاکمه شود که در آن پنج قاضی با تجربه رسیدگی را بر عهده دارند و یا باید سرنوشت حیات او به دست قاضی واحدی که سن و تجربه قضائی او کمتر از همکارانش در دادگاه کیفری استان است سپرده شود. در حالی که آئین رسیدگی به این اتهام در هر دو دادگاه یکسان است، هیأت عمومی دیوانعالی کشور در واقع دست به مصلحت‌اندیشی زده و دادگاه اخیر را برای رسیدگی به اتهام ترجیح داده است تا با استفاده از شیوه تعدد قضات، امکان یک رسیدگی دقیقتر فراهم گردیده و از احتمال بروز اشتباه قضائی در رأی کاسته شود.

بدین ترتیب، ضمن انتقاد از طولانی شدن مراحل تصویب لایحه رسیدگی به جرائم اطفال و نوجوانان، می‌توان گفت که اگر لایحه مورد اشاره تصویب و دادگاههای اطفال و نوجوانان به نحو مقرر در آن تأسیس شده بودند، نتیجه حل اختلاف بین شعب بیستم و بیست و هفتم دیوانعالی کشور غیر از این می‌بود و هیأت عمومی به سادگی رأی به عدم صلاحیت دادگاه اطفال نمی‌داد.

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. V, NO. 1

2006-1

Articles

- The Pros and Cons on Iran's Nuclear Rights: From IAEA Board of Governors to UN Security Council
- Formation of Contract at Cyberspace
- Applicable Law in Air Transport: Study of Fokker 28 and C-130 Crashes
- Prohibition of Islamic Headscarf in Europe from Human Rights Law Perspective
- Reparation for Damages Caused to Iran by Illegal Attacks of USA to the Iranian Oil Platforms

Special Issue: Investment Law in Iran

- Critical Analysis of Securities and Stock Exchange Act (2005) and Its Effects on Iranian Capital Market
- Study of Trade Related Investment Measures Agreement (TRIMs) and Legal Effects of Iran Accession to It
- Legal Aspects of Transferring Technology via Foreign Investment
- Foreign Investment in Context of B.O.T. Contracts and the Iranian Foreign Investment Promotion and Protection Act
- Investment Compensation Scheme in EU Law

Critique and Presentation

- Expediency of the General Board of the Supreme Court in Referring Juvenile Delinquency to County Criminal Courts
- Legal Context of 1696 Security Council Resolution on Iran's Nuclear Programme
- Universal Monitoring on Compliance with Human Rights: From UN Human Rights Commission to Council of Human Rights



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law

Research & Study